



تأثیر اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی با نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی

فرناز حاج محمود عطاری^۱
وحید آرابی^۲ ✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

چکیده

اهمیت و نیاز به تمکین مالیاتی و شناسایی مؤدیان جدید با توجه به شرایط محیط اقتصادی، بیش از پیش افزایش یافته است و تمام دولت‌ها در سراسر جهان باید تلاش کنند که به نتیجه مطلوب برای برآورده شدن میزان درآمد مالیاتی دست یابند. در این مقاله تأثیر اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی با در نظر گرفتن نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی بررسی می‌شود. مقاله حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و از نظر روابط بین داده‌ها، همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شرکت‌های خصوصی بودند که مؤدیان مالیاتی آنها در بازه زمانی سه ماهه به اداره کل امور مالیاتی مرکز تهران مراجعه نموده که تعداد کل آنها برابر ۳۳۱۶۲ بوده‌اند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و با توجه به تکنیک معادلات ساختاری بین ۵ و ۱۵ برابر تعداد سنجه‌ها یعنی ۲۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده که پس از تأیید روایی آن با محاسبه ضریب لاوشه و انجام تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، جهت بررسی فرضیات تحقیق از تکنیک معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی با توجه به نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی تأثیر می‌گذارد. اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه و ادراک عدالت مالیاتی مؤدیان مالیاتی و نیز ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: اعتماد به دولت، تمکین داوطلبانه، مؤدیان مالیاتی، ادراک عدالت مالیاتی.

۱- گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Farnazattar91@gmail.com
۲- گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول.
Vah.araei@iauctb.ac.ir



۱- مقدمه

دینفعان نظام مدیریت مالی عمومی را شهروندان جامعه تشکیل می‌دهند. مدیریت مالی عمومی تأکید بر مدیریت منابع و مصارف در بخش عمومی است؛ بنابراین مهمترین هدف نظام مدیریت مالی عمومی را می‌توان ارتقای رفاه و رضایت شهروندان قلمداد نمود (آقامحمد و دیگران، ۱۴۰۰). امروزه مالیات یکی از جنبه‌های اساسی زندگی مدرن است. بودجه‌هایی که دولت‌ها از مالیات به دست می‌آورند، برای ارائه خدمات ضروری و کالاهای عمومی استفاده می‌شود لذا تمایل افراد به پرداخت مالیات، نقش مهمی در ایجاد رفاه اقتصادی و اجتماعی هر کشور دارد. اهمیت و نیاز به تمکین مالیاتی و شناسایی مؤدیان جدید با توجه به بحران حاکم در محیط اقتصادی، بیش از پیش افزایش یافته است و تمام مقامات دولتی (با دولت‌ها) در سراسر جهان باید تلاش کنند که به نتیجه مطلوب برای برآورده شدن میزان درآمد مالیاتی دست یابند. به همین دلیل، محققان مالیاتی به منظور درک نگرش انطباقی مالیات‌دهندگان، به بررسی همزمان عوامل اقتصادی و غیراقتصادی توجه نموده‌اند. اعتماد به دولت باعث می‌شود شهروندان نسبت به ارائه خدمات، توانایی دولت را بهتر درک کنند. این اعتماد این امر را پدید می‌آورد که شهروندان با اطمینان بیشتری به سازمان‌ها مراجعه نمایند. ارزیابی این‌که مقامات و نهادهای سیاسی مطابق انتظارات مردم فعالیتشان را پیش می‌برند، درک مردم را نسبت به سیاست‌های اتخاذ شده بهتر می‌کند. پرداخت مالیات و تمکین مالیاتی باعث می‌گردد مشکلات اجتماعی و اقتصادی کاهش یابد. علاوه بر اجرای درست قانون و ضوابط، افزایش انگیزه‌های درونی و جلب همکاری و همفکری مؤدیان نیز موردنیاز می‌باشد که تمکین مالیاتی روشی منطقی در افزایش منابع اقتصادی و برخورداری از مواهب اجتماعی است. مالیات‌ها توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی مطابق قوانین برای استفاده در خدمات عمومی به صورت اجباری جمع‌آوری می‌شود. به همین دلیل، در حالیکه برخی از مالیات‌دهندگان وظایف خود را مطابق با آگاهی شهروندی خود انجام می‌دهند، برخی دیگر به وظایف خود عمل نمی‌کنند (گوزل^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). برای مالیات‌دهندگانی که به تعهدات خود عمل نمی‌کنند، مجازات‌های مختلفی اعمال می‌شود لیکن برای دولت کافی نیست که با استفاده از ابزارهای مجازات و بازرسی، ضرر مالیاتی را به حداقل برساند. همچنین صرفاً متغیرهای اقتصادی (نظیر؛ میزان مجازات، میزان مالیات، میزان ممیزی و...) بر رعایت وظایف مالیاتی مؤثر نیستند (الم^۲ و همکاران، ۲۰۱۲) و دولت باید متغیرهای غیر اقتصادی (نظیر؛ آگاهی مالیاتی، اخلاق مالیاتی، عوامل اجتماعی و جمعیتی، اتخاذ قدرت سیاسی، ادراک عدالت مالیاتی، سطح اعتماد، اعتماد به سطح دین‌داری دولت، وفاداری به دولت، استفاده مؤثر از هزینه‌های عمومی، تغییرات مکرر در قوانین مالیاتی و پیچیدگی سیستم، نرخ مالیات، فراوانی عفوهای مالیاتی، عدم وجود مستندات و...) را مانند متغیرهای اقتصادی در نظر بگیرد و پلی بین خود و مالیات‌دهندگان ایجاد نماید (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

^۱ - Güzel

^۲ Alm

در رویکرد اقتصاد کلاسیک، از رسیدگی‌های متعدد و کارآمد و جرایم سنگین به عنوان قدرتمندترین استراتژی‌ها برای مبارزه با جرم‌های مالیاتی نام برده می‌شود. فرض بر این است که مؤدیان مالیاتی به طور منطقی رفتار می‌کنند و در مورد فرار مالیاتی تصمیماتشان برای تمکین وابسته به ریسک شناسایی شدن است (کاستلونگر^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

علاوه بر متغیرهای اقتصادی، متغیرهای غیراقتصادی نیز در تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (مولباچر^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). بسیاری از مطالعات تجربی از این ادعا نظیر اعتماد مالیات‌دهندگان به مقامات و مأموران دولتی و ادراک عدالت مالیاتی حمایت می‌کنند (وان دیجک و وربون^۳، ۲۰۱۰، الم و همکاران، ۲۰۱۲ و سعد^۴، ۲۰۱۱). به طور کلی در ادبیات مربوط به رعایت مالیاتی پذیرفته شده است که ادراک مالیات‌دهندگان از عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت را افزایش می‌دهد و این بر رعایت مالیات تأثیر می‌گذارد (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹). چنانچه تمکین مالیاتی به صورت داوطلبانه و از جانب مؤدیان اعمال شود، از لحاظ فرهنگ‌سازی مالیاتی نیز قابل ملاحظه است. به عبارت دیگر، شکل مطلوب تمکین در خوداظهاری مالیاتی تجلی می‌یابد لیکن مفهوم تمکین مالیاتی در برگیرنده پذیرش اولیه مالیات‌های تشخیصی از سوی سازمان مالیاتی نیز می‌باشد (رامشینی و همکاران، ۱۳۹۵).

اعتماد به دولت از نظر ارزیابی ذهنی مبتنی بر تجربه شهروندان است. با توجه به این‌که دولت رفتار صادقانه یا خدمات عمومی با کیفیتی را برای نیازهای شهروندان ارائه می‌کند، شهروندان راحت‌تر برنامه‌های دولت را قبول می‌کنند (کیم^۵، ۲۰۱۰). داشتن اعتماد به دولت، موفقیت برای دولت و سازمان‌های دولتی را به همراه دارد. مبنایی برای انسجام اجتماعی است. در واقع دولت برای اجرای برنامه‌هایش نیاز به همکاری شهروندان دارد. دریافت مالیات یکی از ابزارهای مهم مالی دولت به حساب می‌آید که در فرآیند توسعه به کار گرفته می‌شود و با توجه به افزایش تعهدات دولت، نیاز به کسب منبع مناسبی برای این هزینه برای دولت احساس شده است (فیض^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). درک عدالت در پرداختن مالیات باعث می‌گردد مؤدیان با اشتیاق بیشتری به پرداخت و همکاری با اداره مالیات بپردازند. برخورد یکسان با افرادی که درآمد یکسانی دارند به بهبود وضعیت افراد جامعه کمک زیادی می‌کند. با این شرایط مؤدیان تمکین مالیاتی را صورت می‌دهند. زمانی که یک سیستم کارا باشد فاصله بین درآمدهای بالفعل و بالقوه مالیاتی کمتر است و نشان‌دهنده میزان بالایی از تمکین مالیاتی است (کوکس^۷ و همکاران، ۲۰۰۶).

¹ Castlonger

² Muehlbacher

³ Van Dijke & Verboon

⁴ Saad

⁵ Kim

⁶ Faizal

⁷ Cox

با توجه به مراتب فوق، این مقاله به دنبال این پرسش اصلی است که اعتماد به دولت با نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی چه تأثیری بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی دارد. از این رو، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی و سپس بر اساس چارچوب روش‌شناختی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- اعتماد به دولت

اعتماد در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، «اطمینان با اتکا به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان، پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن، باور یا اعتماد یا اتکا به صداقت یک فرد یا سازمان، داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان، صداقت، درستی و وفاداری» تعریف شده است (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰۵). نیهان بیان می‌دارد اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با دیگری از آن برخوردار است و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌کند (نرگسیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵).

از دید گرتیسون واسلو من، اعتماد عبارت است از اعتقاد راسخ به شایستگی یک فرد یا یک شیء در مورد عملکرد مطمئن، ایمن و معتبر او در یک موقعیت معین (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰). بر این اساس وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می‌آید بدین معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آن‌ها پاسخ دهند. لذا اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی داشته و می‌توان آن را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رصد کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانمندی آنان در اثر گذاری بر فرآیند توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخ‌گویی و حساب پس‌دهی دولت است.

مطالعات مرتبط با مدیریت عمومی به اعتماد بسیار نادر است. به تازگی، به دلیل شکل‌های جدید سازمانی مشاهده شده و محدودیت مکانیزم‌های هماهنگی بین این بازیگران، علاقه و اطمینان روزافزونی بین مسئولان دولتی و ذینفعان مسئول انجام وظایف عمومی وجود داشته است (هریان^۱، ۲۰۱۴). این شامل یک نوع اعتماد دو طرفه است که می‌تواند همکاری را تقویت کند. با این حال، تحقیقات در مورد اعتماد و نهادها به طور سنتی در روابط بین یک سازمان و شهروندان محدود بوده است. از این منظر، اعتماد یک طرفه است، زیرا آن را منحصرأ از طرف شهروندان در نظر گرفته و به سمت نهادهای عمومی سوق می‌دهد. علاوه بر این، اگر اعتماد عمدتاً به عنوان رابطه بین شهروندان و نهادهای عمومی در نظر گرفته شده باشد، ممکن است مطرح شود که

¹ Herian

مسئله اعتماد نهادی است. به این معنا، شهروندان می‌توانند به اصولی که از مؤسسات تأمین‌کننده تعاملات اجتماعی مانند اعتماد به عدالت برخوردار باشد، اعتماد داشته باشند (علی^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، تعریف اعتماد به بستر، نوع رابطه و ابعاد در نظر گرفته شده در مطالعه بستگی دارد. همین مسئله با اندازه‌گیری میزان اعتماد شهروندان به دولت صورت می‌گیرد. طبق گفته‌های فیوات و پاسکوئر (۲۰۱۴)، ابعاد استفاده شده برای مفهوم‌سازی اعتماد بین سازمانی نیز می‌تواند برای اندازه‌گیری اعتماد شهروندان به دولت استفاده شود.

اعتماد دولت توسط مردم در صورتی ایجاد خواهد شد که جمعیت منطقی عملکرد دولت را برای رفاه مردم ببینند و احساس کنند. دولت باید فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی کند که بتواند مردم را توانمند سازد. عملکرد بخش دولتی و نحوه خدمت به مردم بر اعتماد مردم به دولت تأثیر خواهد گذاشت (سیان^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). اگر دولت به مردم اعتماد داشته باشد و برعکس مردم به دولت اعتماد داشته باشند، به دولت اعتماد می‌کنند که وجود داشته باشد. اگر دولت عملکرد خود را به طور واضح اثبات کند، اعتماد به دولت از طرف مردم پدید خواهد آمد. اعتماد عمومی به دولت توانایی دولت در رسیدگی به وضعیت اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد (بریتویت و رینهارت^۳، ۲۰۱۹).

اعتماد عمومی میزان مشارکت عامه برای کمک به دولت در انجام امور، به ویژه مالیات و همکاری با بخش عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتماد نقش روابط غیررسمی را ایفا می‌کند و منجر به نوعی وابستگی شدید به قوانین، رویه‌های رسمی، مقررات و قانون‌گرایی شدید می‌شود. اعتماد شهروندان به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های خدمات عمومی تابعه و دیگر نهادهای سیاسی، پشتیبانی شهروندان از آن‌ها را فراهم کرده و موجب می‌شود شهروندان تقاضاهای خود را از آن‌ها به صورت معقولانه مطرح کنند. جورج زیمل معتقد است بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. بنابراین اعتماد یکی از مهم‌ترین نیروهای انسجام جامعه است و اعتماد بین دولت و ملت هزینه کنترل‌های اضافی را پایین می‌آورد و علاوه بر مزایای اجتماعی، منافع اقتصادی نیز به دنبال دارد (کوردری و باسکرویل^۴، ۲۰۱۱).

۲-۲- تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی

تمکین کامل مالیاتی از جمله اهداف مهمی است که تمامی سیستم‌های مالیاتی در راستای دستیابی به آن هستند و در واقع، درجه تمکین مالیاتی در هر کشوری معیار سنجش کارایی سیستم مالیاتی آن کشور است. طبق نظر براون و مازور (۲۰۰۳) تمکین مالیاتی، یک مفهوم تئوریک و چندجانبه است که می‌تواند در سه

¹ Ali

² Cyan

³ Braithwaite & Reinhart

⁴ Cordery & Baskerville

بخش تمکین در پرداخت^۱، تمکین در پرونده^۲ و تمکین در گزارش‌دهی بررسی شود (جابر انصاری و همکاران، ۱۳۹۵). بهبود اداره امور مالیاتی باعث ایجاد سطح بالاتری از انطباق مالیاتی می‌شود. مالیات مؤثر، کارآمد و منصفانه، مالیات‌دهندگان را ترغیب می‌کند که به طور داوطلبانه با مقامات مالیاتی رعایت کنند، در نتیجه اثرات تقویت‌کننده‌ای را برای عملکرد و رعایت مالیات ایجاد می‌کند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵).

اجتناب مالیاتی، به عنوان صرفه‌جویی مالیاتی که از روش‌های عمومی کاهش مالیات و پناهگاه‌های مالیاتی که بعضاً در مورد قانونی بودن آنها تردید وجود دارد و به منظور کاهش بدهی مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریف می‌شود (ستایش و ابراهیمی، ۱۴۰۰، ۵۵). سیستم‌های مالیاتی در سراسر جهان وابسته به تمکین داوطلبانه مالیات توسط مؤدیان مالیاتی می‌باشند، چرا که هر چه درصد تمکین مالیاتی در یک سیستم مالیاتی بالاتر باشد، به همان نسبت درآمد مالیاتی افزایش یافته و شاخص‌های کلان اقتصادی همچون نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت درآمد واقعی مالیاتی به درآمد مالیاتی پیش بینی شده در بودجه و نسبت درآمدهای مالیاتی داوطلبانه پرداخت شده به کل درآمدهای مالیاتی وصول شده، افزایش می‌یابد (کمالی و شفیعی، ۱۳۹۰). در نتیجه، دستیابی به سطح بالای تمکین مالیاتی و یا حفظ نرخ تمکین فعلی به یک موضوع بسیار حیاتی برای سیاست‌گذاران مالی کشورها تبدیل شده است (عبدالرزاق و آدافولا^۳، ۲۰۱۳).

در برخی از کشورها مؤدیان مالیاتی حتی به نیمی از تعهدات مالیاتی خود طبق قوانین مالیاتی نوشته شده در آن جامعه عمل نمی‌کنند (کورباچو و همکاران^۴، ۲۰۱۳)، به گونه‌ای که امروزه عدم تمکین و تمایل به فرار مالیاتی به یک پدیده رایج در اکثر کشورها تبدیل شده و توجه تعداد کثیری از محققان را به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار روی آن جلب کرده است (ماراندو و همکاران^۵، ۲۰۱۵). بنابراین، حل معضل فرار مالیاتی و ایجاد تمکین مالیاتی، نیازمند فهم درست عوامل تأثیرگذار روی تصمیم‌گیری مؤدیان مالیاتی برای پذیرش یا اجتناب از پرداخت مالیات می‌باشد.

اگر مؤدی به هر یک از وظایف و تعهدات خود عمل نکند رفتار وی به نوعی عدم تمکین مالیاتی تلقی خواهد شد. اصولاً عدم تمکین مالیاتی در دو قالب کلی، «فرار مالیاتی» و «اجتناب از مالیات» می‌گنجد که هر دو به منظور گریز از پرداخت مالیات صورت می‌گیرند. بدین ترتیب، مؤدی مالیاتی کمتر از میزانی که قانون موظف به پرداخت آن است، تأدیه می‌نماید. فرار از پرداخت مالیات در واقع عملی عمدی با هدف عدم تمکین قانون مالیاتی به منظور کاهش بدهی مالیاتی است. با این حال، قصور در تمکین با گزارش‌های مالیاتی ممکن است به علت اشتباهات، اطلاعات غلط، سوء تفاهم، و یا سهل‌انگاری سبب شده باشد. در صورتی که فرار

1 Payment compliance

2 Filing compliance

3 Abdul – Razak & Adafula

4 Corbacho et al

5 Marandu et al

مالیاتی به معنای اتخاذ ترتیبات غیر قانونی جهت اختفاء یا نادیده گرفتن بدهی مالیاتی است (ماچوگو و آمای)^۱، (۲۰۱۶). اجتناب از مالیات، به استفاده از راه‌های قانونی مختلف توسط مؤدی، به منظور کاهش میزان مالیات خود را می‌گویند (گوبنا و وان‌دیجکی)^۲، (۲۰۱۶).

دو رویکرد متفاوت برای بحث در خصوص موضوع تمکین مالیاتی وجود دارد. رویکرد اقتصادی مبتنی بر نظریه انتخاب عمومی^۳ که به موجب آن مالیات‌ها یا به صورت نظام‌مند پرداخت می‌شوند و یا مؤدیان از پرداخت مالیات طفره می‌روند. رویکرد اجتماعی روان‌شناختی که به موجب آن تمکین مالیاتی از طریق عوامل روان‌شناختی همچون ملاحظات عدالت مالیاتی و حس تشخیص اخلاقی تعیین می‌شود (کرچلر و واهل)^۴، (۲۰۱۰).

از نظر جیمز و الی تمکین مالیاتی نوعی رویکرد است. در رویکرد باریک (محدود)، که به عنوان عقلانیت اقتصادی مطرح می‌شود: مزایای مورد انتظار از فرار؛ ریسک شناسایی و مجازات مورد انتظار را نشان می‌دهد. مالیات‌دهندگان، حداکثر کردن ثروت و درآمد شخصی را مدنظر قرار می‌دهند. این دیدگاه به کارایی تخصیص منابع، اشاره دارد. مالیات‌دهندگان، به عنوان یک ماشین حساب خودخواهانه سود و زیان مالی، دیده می‌شوند. در این دیدگاه، افراد سود و زیان ناشی از فرار مالیاتی را حساب می‌کنند و با توجه به میزان منافع فرار مالیاتی، چشم انداز پرداخت مالیات را مشخص می‌کنند (کیو^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). رویکرد گسترده‌تر (رفتاری) به عنوان تمایل داوطلبانه مؤدیان در پیروی از قوانین مالیاتی، اشاره دارد. مالیات‌دهندگان، افراد مستقلی نیستند، بلکه برای حداکثر رساندن منافع خود، باید با مقامات مالیاتی، با توجه به هر نوع نگرش، باور و هنجاری که دارند، همکاری کنند. به طوری که موفقیت در تلاش‌های مالیاتی به میزان همکاری، بستگی دارد. این دیدگاه، مسائل مربوط به عدالت، را بیان می‌کند و مالیات‌دهندگان، به عنوان یک شهروند خوب، دیده می‌شوند. تمکین مالیاتی، معمولاً به درجه‌ای که فرد و یا سازمان، از قوانین پیروی می‌کند، اشاره دارد. یکی دیگر از اصل‌های کلیدی در ادبیات مالیاتی، تمکین مالیاتی مالیات‌دهندگان است (یانگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۶).

۲-۳- ادراک عدالت مالیاتی

یکی از مهمترین سیاست‌های اقتصادی و درآمدی کشورها وصول مالیات است که به عنوان یک ابزار مالی برای تأمین منابع مالی هزینه‌های ضروری دولت و تعدیل در توزیع درآمد و ثروت و هدایت فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌رود. ثبات و تداوم مالیات باعث ثبات در برنامه‌ریزی دولت در ارائه خدمات مورد نیاز

¹ Machogu & Amayi

² Gobena & Van Dijke

³ Public Choice Theory

⁴ Kirchler & Wahl

⁵ Kiow

⁶ Young

شهروندان در زمینه‌های گوناگون می‌شود (خباززاده و جهانشاد، ۱۳۹۹: ۱۳۲). معیار اصلی سنجش عدالت، ادراک افراد است. علت مهم بودن ادراک این است که رفتار افراد مبتنی بر ادراک آنان از واقعیت است نه لزوماً خود واقعیت. به طور کلی دو رویکرد نسبت به عدالت هست که عبارت است از: رویکرد هنجاری و رویکرد توصیفی. در رویکرد هنجاری که با هنجارهای اخلاقی و سامانه فلسفی مرتبط است، قواعد سامانه‌های هنجاری مشخص می‌کند که چه چیزی عادلانه است یا نیست (آراگونز^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). درحالی‌که در توصیفی که رویکرد غالب در علوم اجتماعی از جمله مدیریت است، ادراک عدالت توسط افراد مهم است نه آن چیزی که عدالت باید باشد (هامپتون^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). زمانی که مالیات‌دهندگان درک کافی نسبت به پرداخت مالیات پیدا نمایند، نسبت به دولت و برنامه‌هایش با اطمینان بیشتری همراهی می‌کنند. دولت با رفتارش می‌تواند درک مؤدیان را نسبت به پرداخت مالیات افزایش دهد. زمانی که یک سیستم مالیاتی به خوبی و عادلانه رفتار کند، انطباق مالیات‌دهندگان را نسبت به پرداخت مالیات افزایش خواهد داد. زمانی که مالیات‌دهنده به درک بالایی از پرداخت مالیات دست یابد. تغییرات در مالیات را راحت‌تر درک می‌کند (دالین^۳، ۲۰۱۷).

مفهوم عدالت مالیاتی اعم از عدالت افقی و عدالت عمودی می‌باشد. عدالت افقی بدین معناست که بار مالیاتی باید به گونه‌ای برابر در شرایط یکسان و به گونه‌ای نابرابر در شرایط نایکسان بین شهروندان و اشخاص (یعنی مؤدیان مالیاتی) سرشکن شود. به همین سبب برای دستیابی به عدالت افقی مالیاتی باید شرایط یکسان و مشابه برای افراد فراهم کرد تا براساس آن به گونه‌ای برابر مشمول پرداخت مالیات شوند. این تعریف از عدالت افقی در مفهوم سنتی و کلاسیک از عدالت، ریشه دارد. مقصود از عدالت عمودی نیز این است که وضع مالیات‌ها باید به گونه‌ای باشد که با شهروندان و اشخاصی که از جایگاه اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند به گونه‌ای نابرابر برخورد کند. مقصود از برخورد نابرابر این است که به توانایی و عدم توانایی پرداخت مالیات توسط برخی اشخاص و شهروندان، دارای وضعیت اقتصادی محروم‌تر از دیگران توجه نشان داده شود. نرخ مالیاتی برای تحقق عدالت عمودی باید نرخ متفاوتی باشد و با توجه به افزایش درآمد افراد، تصاعدی باشد. از مهم‌ترین چالش‌های این سیستم، مالیات‌ستانی، اندازه‌گیری صحیح و واقعی توانایی، با قدرت پرداخت مالیات توسط اشخاص و افراد می‌باشد (هنری^۴، ۲۰۱۲).

برای اجرای عدالت مالیاتی سه دیدگاه وجود دارد. نظریه قدرت پرداخت: بر اساس این نظریه هر کس که قدرت و توانایی بیشتری در پرداخت انواع مالیات داشته باشد، بایستی مالیات بیشتری بپردازد. نظریه نفع حاصله از خدمات: براساس این نظریه پرداخت انواع مالیات متناسب با منافع حاصله از خدمات دولت می‌باشد.

¹ Aragonez

² Hampton

³ Dallyn

⁴ Henry

مشکلی که این روش دارد، عدم اندازه‌گیری درست و صحیح در استفاده از خدمات برای افراد است. نظریه عدالت مالیاتی در راستای عدالت اجتماعی: براساس این نظریه قدرت مالیات‌بندی بر توزیع مجدد درآمد از طبقات بالاتر به طبقات پایین‌تر اجتماع است و تقریباً تمام بار مالیاتی را بر دوش طبقات ثروتمند جامعه تحمیل می‌نماید (صالح^۱، ۲۰۱۰).

به طور کلی، از آن‌جا که درک شیوه‌های دولت به عنوان عادلانه از سوی مالیات‌دهندگان باعث افزایش اعتماد مالیات‌دهندگان می‌شود، عدالت ادراک شده با اعتماد به دولت در ارتباط است. دولت‌ها با افزایش رفتارهای منصفانه و خدمات محور سعی در جلب اعتماد شهروندان خود دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۵).

۲-۴ پیشینه تحقیق

۱-۴-۲- پیشینه خارجی

گوزل و همکاران (۲۰۱۹) تحقیقی با عنوان «تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت در مورد تمکین داوطلبانه در ترکیه» انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که (الف) رابطه مثبت و معنی‌داری از اعتماد به دولت در مورد پرداخت داوطلبانه مالیات از طریق ادراک عدالت مالیاتی (نقش میانجی) وجود دارد، (ب) رابطه مثبت و معنی‌داری در اعتماد به دولت نسبت به تعهدات مالیاتی وجود دارد و (ج) رابطه مثبت و معنی‌داری در اعتماد به دولت نسبت به ادراک عدالت مالیاتی وجود دارد و (د) ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر مثبت و معنادار دارد.

کیوآ و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده رفتار انطباق مالیاتی مالیات‌دهندگان در شبه جزیره مالزی» انجام دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که رفتار داوطلبانه مالیاتی مالیات‌دهندگان انفرادی تحت تأثیر ادراک اخلاقی مالیات‌دهندگان فردی است و درک اخلاقی آن‌ها تحت تأثیر حاکمیت عمومی و شفافیت در عملکرد دولت است. اگر دولت عادلانه از پول مالیاتی استفاده کند یا وقتی مالیات‌دهندگان از مالیات‌های پرداخت شده از نظر کالاهای عمومی و امکانات اجتماعی که ترجیح می‌دهند، دریافت کنند، مالیات‌دهندگان بیشتر خواهد بود.

جیمنز و لیر^۳ (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان «پرداخت داوطلبانه مالیات در یک محیط اجتماعی: تأثیر هنجارهای اجتماعی، اعتماد به دولت و درک عدالت در رفتار داوطلبانه مالیات‌دهندگان» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد با افزایش قدرت هنجارهای اجتماعی به نفع تعهدات مالیاتی، هنجارهای شخصی پیروی از مالیات نیز افزایش می‌یابد و این منجر به افزایش بعدی اهداف مقررات می‌شود. همچنین اعتماد به دولت تأثیر قابل توجهی در عدالت ادراک شده از سیستم مالیاتی و تصمیمات مربوط دارد.

¹ Saleh

² Kiow

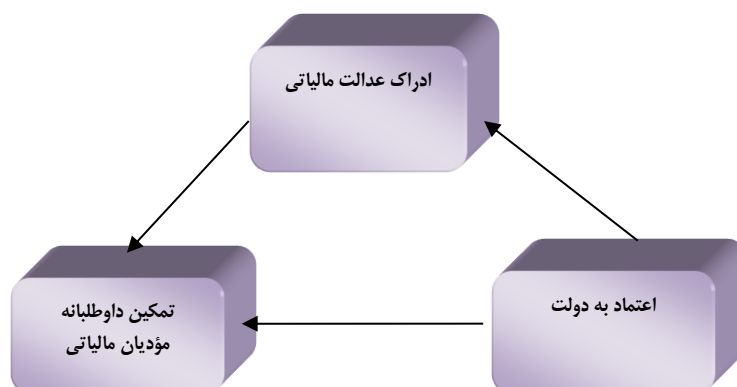
³ Jimenez & Iyer

۲-۴-۲- پیشینه داخلی

فرهادی و دولت‌نیا (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان «تأثیر اعتماد به دولت و عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی در سازمان امور مالیاتی استان گلستان» انجام دادند. نتایج حاصله نشان داده است که اعتماد به دولت و عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی تأثیر معنی‌داری دارد.

رامشینی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «نگرشی نوین به تمکین مالیاتی؛ ارائه یک چارچوب جدید» انجام دادند. در این چارچوب که «شیب خزنده» نام دارد، فرض می‌شود که تمکین مالیاتی شهروندان به قدرت مسئولان برای تمکین اجباری و اعتماد به مسئولان و همکاری داوطلبانه وابسته است. نتایج حاکی از آن است که اعتماد به صورت مثبت با تمکین داوطلبانه مرتبط می‌باشد و با قدرت مشروع ارتباطی مثبت و با قدرت قهری ارتباطی منفی دارد. قدرت قهری و قدرت مشروع با تمکین اجباری مرتبط می‌باشد.

نقیبی و امیدی (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین دانش مالیاتی، عدالت مالیاتی ادراک شده و تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی استان ایلام» انجام دادند که نتایج تحقیق حاکی از همبستگی معنادار بین دانش مالیاتی و عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی می‌باشد. با توجه به چارچوب نظری، مدل مفهومی به شکل زیر ارائه می‌گردد:



شکل ۲-۱ مدل مفهومی پژوهش

(منبع: گوزل و همکاران، ۲۰۱۹)

۵- روش شناسی

این پژوهش از لحاظ نوع روش پیمایشی و به لحاظ ارتباط بین متغیرها، توصیفی از نوع همبستگی به شمار می‌آید. جامعه آماری شامل مؤدیان مالیاتی (شرکت‌های خصوصی) هستند که در بازه زمانی سه ماهه به اداره کل امور مالیاتی مرکز تهران مراجعه نموده و قصد پرداخت مالیات داشته‌اند که تعداد کل آن‌ها برابر با

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۴/ پیاپی ۵۶/ زمستان ۱۴۰۱

۳۳۱۶۲ شخص حقوقی می‌باشند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با توجه به تکنیک معادلات ساختاری بین ۵ و ۱۵ برابر تعداد سنجها به تعداد ۲۴۰ نفر (۱۵ برابر تعداد گویه‌های پرسشنامه) در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری نیز طبقه‌ای است.

در این تحقیق از ابزار پرسشنامه استاندارد گوزل و همکاران (۲۰۱۹) با مقیاس طیف لیکرت استفاده شد که دارای ۱۶ سنجه (متغیر میانجی ادراک عدالت مالیاتی شامل: منصفانه بودن، توزیع منصفانه بار مالیاتی، در نظر گرفتن درآمدها در بار مالیاتی، داشتن رفتار عادلانه، عادلانه بودن در بین مالیات‌دهندگان، در نظر گرفتن درآمد، متناسب بودن با قدرت خرید. متغیر وابسته تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی شامل: غیرواقعی نشان دادن هزینه‌ها، اغراق‌آمیز اعلام کردن هزینه‌ها، ارائه نکردن فاکتور به مشتری، دنبال کردن راه‌هایی برای تقلب، ارائه نکردن تمام درآمدها، خودداری کردن از پرداخت مالیات. متغیر مستقل اعتماد به دولت شامل: اعتماد داشتن، نگران شهروندان بودن و تلاش کردن برای منافع شهروندان) می‌باشد.

برای محاسبه روایی پرسشنامه، به ده نفر از صاحب‌نظران درون‌سازمانی و خبرگان حوزه مالیات جهت اعلام نظر ارسال و اقدام به محاسبه شاخص نسبی روایی محتوا (CVR) پرداختند که نتایج آن بدین صورت بود: اعتماد به دولت (۰/۸۵)؛ ادراک عدالت مالیاتی (۰/۷۷)؛ تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی (۰/۷۰). لذا، حداقل مقدار CVR برابر با ۰/۷۰ می‌باشد که روایی محتوایی قابل قبولی است.

برای پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۱۶ پرسشنامه از جامعه تحت بررسی جمع‌آوری و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از این پرسشنامه‌ها و نرم‌افزار SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه که آلفای به دست آمده برای ادراک عدالت مالیاتی ۰/۸۴۳، تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی ۰/۸۵۰ و اعتماد به دولت ۰/۸۵۴ می‌باشد.

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- بخش توصیفی

در بخش توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی مدیران شرکتهای خصوصی در نمونه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد تعداد مدیران مرد با ۷۵ درصد از حجم نمونه از زنان بیشتر بوده است. بیشترین افراد تحت بررسی (۵۱٪) دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و کمترین آن‌ها (۶٪) دارای مدرک تحصیلی دکترا بودند. افراد دارای مدرک لیسانس نیز با ۴۳٪ در جایگاه دوم بودند. در بررسی درآمد شرکتهای در پژوهش، شرکتهای با درآمد بین ۴۱ تا ۶۰ میلیون، ۴۳٪ از نمونه، از شرکتهای دارای درآمد بالاتر از ۶۰ میلیون با ۳۰٪، شرکتهای دارای درآمد بین ۲۱ تا ۴۰ میلیون با ۲۲٪ و شرکتهای دارای درآمد بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون با ۵٪ از نمونه، بیشتر بوده‌اند.

تحلیل توصیفی متغیرها بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از ۲۴۰ نفر نمونه، نشان از کمینه بین ۱ و ۲ و بیشینه کمی بیشتر از ۴ داشت و میانگین‌های محاسبه شده، همه متغیرها را از دید نمونه آماری و بر اساس نظرات ایشان، در سطح متوسطی گزارش داد و با توجه به انحراف استاندارشان، سطح پراکندگی مناسبی داشتند.

۲-۶- بخش استنباطی

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۱-۶ در تمامی موارد مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمده است که دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد یعنی توزیع داده‌های سنجش هر یک از ابعاد نرمال می‌باشد. بنابراین بایستی از نرم افزار لیزرل استفاده شود.

جدول ۱-۶: بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد مشاهدات	آماره آزمون	معناداری
ادراک عدالت مالیاتی	۲۴۰	۰۰۳۰	۰۹۷۶ ^e
اعتماد به دولت	۲۴۰	۰۰۳۹	۰۸۴۸ ^e
تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی	۲۴۰	۰۰۳۱	۰۹۷۳ ^e

منبع: یافته‌های پژوهشگر

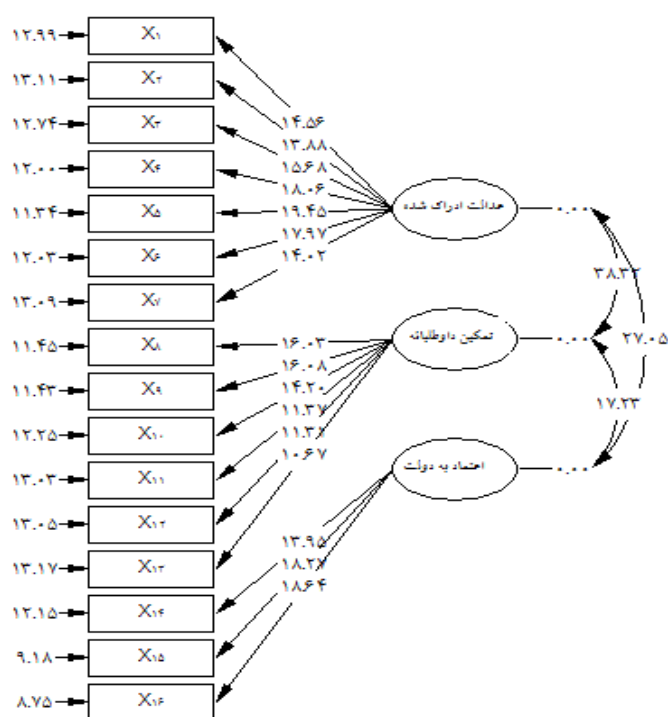
در این پژوهش، کفایت نمونه با استفاده از شاخص کایزر-مییر-ولکین بررسی می‌شود و در صورتی که مقدار آماره بیش از ۰/۷ باشد مشخص می‌شود که تعداد نمونه با توجه به تعداد پارامترهای مدل کافی است. برای اطمینان از مناسب بودن همبستگی مشاهدات از آزمون بارتلت استفاده می‌شود و در صورتی که مقدار معنی-داری آزمون از ۰/۰۵ کمتر باشد، همبستگی مشاهدات مناسب است.

جدول ۲-۱: آزمون بارتلت و شاخص KMO

اندازه‌گیری کفایت نمونه (KMO)		۰/۷۶۳
سنجش مناسب بودن همبستگی (بارتلت)	آماره آزمون	۴۸۲/۶۲۵
	درجه آزادی	۱۲۰
	معنی داری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج به دست آمده شاخص KMO و بارتلت در فاصله معیار قرار دارند و لذا پیش فرض تحلیل عاملی برقرار است. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگتر از ۰/۵ دارد که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. بر اساس نتایج شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورد استفاده در سطح اطمینان ۵٪ مقدار آماره t-value بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است.



Chi-Square=153.78, df=101, P-value=0.14000, RMSEA=0.046

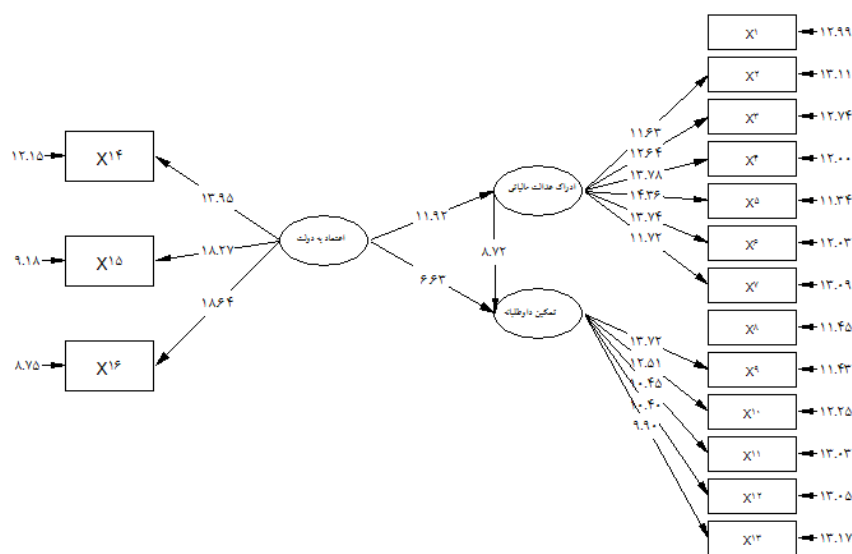
در ادامه شاخص‌های نیکویی برازش ارائه شده است که با توجه به نتایج به دست آمده، همه شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند و لذا مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۳-۶: شاخص‌های نیکویی برازش

ردیف	نام شاخص (فارسی)	مقدار استاندارد	مقدار به دست آمده
۱	شاخص برازش نرمال شده	بالای ۰/۹	۰/۹۲
۲	شاخص برازش نسبی	بالای ۰/۹	۰/۹۳
۳	شاخص برازش ابزاری	بالای ۰/۹	۰/۹۵
۴	شاخص برازش مقایسه‌ای	بالای ۰/۹	۰/۹۴
۵	شاخص نیکویی برازش	بالای ۰/۹	۰/۹۱
۶	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	بالای ۰/۸	۰/۹۰
۷	مقدار معنی‌داری آزمون	بالای ۰/۰۵	۰/۱۴۰
۸	میانگین مربعات خطا	زیر ۰/۰۷	۰/۰۴۱
۹	ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین	زیر ۰/۰۵	۰/۰۴۶
۱۰	کای دو به درجه آزادی	زیر ۳	۱/۵۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بعد از تأیید ساختار عاملی سازه‌های پژوهش، جهت بررسی روابط میان متغیرها از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است.



Chi-Square=153.78, df=101, P-value=0.14000, RMSEA=0.046

شکل ۱-۶: آماره تی آزمون فرضیه‌های پژوهش

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۴/ پیاپی ۵۶ / زمستان ۱۴۰۱

مقدار آماره t در تأثیر متغیر مستقل بر وابسته، معیاری است از رد یا پذیرش تأثیرگذاری متغیر مستقل بر وابسته. اگر قدر مطلق مقدار آماره به دست آمده از $1/96$ بالاتر باشد، نشان‌دهنده تأثیر معنادار متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. در حقیقت، مقدار آماره از نسبت ضریب مسیر به انحراف استاندارد ضریب به دست می‌آید و از توزیع t پیروی می‌کند و از آن جایی که فرضیات در پژوهش حاضر در سطح اطمینان 95% آزمون می‌شوند و مقدار استاندارد آماره t در سطح اطمینان 95% برابر $1/96$ است، مقدار آماره به دست آمده از تحلیل مسیر با مقدار $1/96$ مقایسه می‌شود و در صورتی که این مقدار از $1/96$ بالاتر باشد، دلالت بر این دارد که مقدار آماره در ناحیه رد فرض صفر قرار گرفته است و فرض صفر آزمون مبنی بر عدم معناداری ضریب با اطمینان 95% رد می‌شود.

برای بررسی درستی فرضیه میانجی از آماره سوپل به شکل زیر استفاده می‌شود. در صورتی که آماره سوپل بزرگتر از مقدار بحرانی z در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ باشد، نقش میانجی‌گری وجود دارد. بنابراین، درستی فرضیات تحقیق بررسی می‌شود.

H1: اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی با توجه به نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی تأثیر دارد.

برای بررسی درستی این فرضیه از آماره سوپل استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون، بیانگر این است که مقدار ضریب مسیر رابطه میان دو متغیر برابر $0/68$ محاسبه شده است. آماره سوپل نیز $7/02$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می‌دهد با اطمینان 95% اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی با توجه به نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی تأثیر دارد.

H1a: اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

برای بررسی درستی این فرضیه از آماره t استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون، بیانگر این است که مقدار ضریب مسیر رابطه میان دو متغیر برابر $0/63$ محاسبه شده است. آماره t نیز $6/63$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می‌دهد با اطمینان 95% اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

H1b: اعتماد به دولت بر ادراک عدالت مالیاتی مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

برای بررسی درستی این فرضیه از آماره t استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون، بیانگر این است که مقدار ضریب مسیر رابطه میان دو متغیر برابر $0/78$ محاسبه شده است. آماره t نیز $11/92$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می‌دهد با اطمینان 95% اعتماد به دولت بر ادراک عدالت مالیاتی مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

H1c: ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

برای بررسی درستی این فرضیه از آماره t استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون، بیانگر این است که مقدار ضریب مسیر رابطه میان دو متغیر برابر $0/87$ محاسبه شده است. آماره t نیز $8/72$ به دست آمده است که

بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد با اطمینان ۹۵٪ ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد.

جدول ۴-۶: خلاصه نتایج بررسی روابط بین متغیرها

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر میانجی	ضریب مسیر	آماره t	آماره سوئل	نتیجه
H۱	اعتماد به دولت	تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی	ادراک عدالت مالیاتی	۰/۶۸	-	۷/۰۲	تأیید
H۱a	اعتماد به دولت	تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی	-	۰/۶۳	۶/۶۳	-	تأیید
H۱b	اعتماد به دولت	ادراک عدالت مالیاتی مؤدیان مالیاتی	-	۰/۷۸	۱۱/۹۲	-	تأیید
H۱c	ادراک عدالت مالیاتی	تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی	-	۰/۸۷	۸/۷۲	-	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

اعتماد به دولت با توجه به نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی با ضریب ۰/۶۸ بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد. این با نتیجه تحقیق گوزل و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. زمانی که مؤدیان پرداخت‌کننده مالیات به دولت و مسئولین اعتماد داشته باشد و بدانند که آن‌ها در تلاش هستند تا با هر منبع مالی، شرایط بهتری برای شهروندان به وجود بیاورند، به این باور می‌رسند که سیستم مالیاتی نیز منصفانه بوده و فشار مالیاتی به طرز عادلانه‌ای بین افراد با درآمد و دارایی‌های مختلف توزیع شده است و در نتیجه میل و رغبت آن‌ها را برای اینکه به صورت داوطلب مالیات خود را پرداخت کنند، بیشتر می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

- با ارائه خدمات با کیفیت به تمامی شرکت‌هایی که مالیات خود را پرداخت می‌کنند و پیگیری شکایت‌های آن‌ها، اعتماد مدیران را جلب کرده و سپس اطلاعات دقیق درآمدی و دارایی را دریافت نمایند تا به صورت عادلانه مالیات دریافت کنند و راهی برای تقلب باقی نگذارند.
- پس از بروز هر مشکلی که برای شرکت‌ها به وجود می‌آید و ارگان‌های مربوطه نمی‌توانند منابع مالی آن را تأمین کنند تا برطرف گردد، بخشی از مالیات کسب شده را به آن اختصاص دهند. به عنوان مثال پرداخت کمک هزینه بیمه‌های آتش سوزی و ... برای شرکت‌هایی که مالیات را داوطلبانه پرداخت می‌کنند در جلب اعتماد و ادراک عدالت برای پرداخت داوطلبانه مؤثر است.

اعتماد به دولت با ضریب $0/63$ بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد. این با نتایج تحقیقات جیمنز و لیر (۲۰۱۶)، گوبنا و وان دیچک (۲۰۱۶)، فرهادی و دولت‌نیا (۱۳۹۸)، رامشینی و همکاران (۱۳۹۵) و نقیبی و امید (۱۳۹۴) همخوانی دارد. اگر مؤدیان به این نتیجه رسیده باشند که دولت برای رفاه و آرامش آن‌ها در تلاش است و منافع شهروندان را در اولویت اصلی کار خودش قرار می‌دهد، در اعلام دارایی‌ها و درآمدهای خود با سازمان امور مالیاتی نیز صادقانه رفتار می‌کنند و سهم خود را در آبادانی شهرشان پرداخت می‌نمایند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

- با کنترل فساد مالی و گزینش دقیق افراد برای فعالیت در سازمانی درآمد محور، در افزایش اعتماد در راستای پرداخت داوطلبانه بکوشند.
- تخفیف‌های واقعی برای مدیرانی که مالیات‌های خود را داوطلبانه پرداخت می‌کنند در نظر بگیرند و آن‌ها را به عنوان افراد مسئولیت‌شناس جامعه معرفی کنند.

اعتماد به دولت با ضریب $0/78$ بر ادراک عدالت مالیاتی مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد. این با نتایج تحقیقات گوزل و همکاران (۲۰۱۹) و نقیبی و امید (۱۳۹۴) همخوانی دارد. اعتماد یک عامل ضروری برای ادراک عدالت بیشتر در سیستم مالیاتی است. زمانی که سازوکارهای مربوط به دولت وحدت را در سیستم‌های اجتماعی ایجاد و حفظ می‌کند و دولت نهایت همکاری را با شهروندان داشته باشد تا آن‌ها را به اهدافشان برساند، آن‌ها نیز رفتارهای سیستم مالیاتی را عادلانه و منصفانه درک می‌کنند و میزان مالیات در نظر گرفته شده را مناسب می‌بینند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

- با حرکت منطقی، برنامه‌دار و تضمین‌شده به سمت داشتن رسانه‌های آزاد، میزان درآمد سالانه و هزینه‌های پرداخت شده را به صورت شفاف به شهروندان که مدیران شرکت‌ها نیز جزئی از آن‌ها هستند ارائه کنند تا اعتماد بیشتر شود.
- مدیران اداره مالیات باید درک و فهم درستی از شرایط فعلی داشته، صدای اعتراض و خواسته‌ها را بشنوند و ارتباط مسئولان با مؤدیان را در کنار اطلاع‌رسانی به موقع و شفاف، عملکردها را تقویت کنند تا این حس به آن‌ها منتقل شود که نهادهای حاکمیتی مشکلات را احصا کرده و در جهت رفع آن‌ها تلاش می‌کنند.

ادراک عدالت مالیاتی با ضریب $0/87$ بر تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی تأثیر دارد. این با نتایج تحقیقات گوزل و همکاران (۲۰۱۹)، کیو و همکاران (۲۰۱۷)، جیمنز و لیر (۲۰۱۶)، گوبنا و وان دیچک (۲۰۱۶)، فرهادی و دولت‌نیا (۱۳۹۸) و نقیبی و امید (۱۳۹۴) همخوانی دارد. زمانی که دولت، میزان مالیاتی که برای هر فرد تعیین می‌کند، بر اساس درآمد واقعی وی محاسبه شده باشد و به تناسب درآمد و دارایی‌هایی که هر فرد دارد، دریافتی را مشخص کند، انگیزه شهروندان برای مراجعه به سازمان و پرداخت داوطلبانه بیشتر خواهد شد. یعنی اگر مالیات در کشور متناسب با قدرت خرید افراد جامعه باشد و بار مالیاتی بین مؤدیان مالیاتی به

نسبت درآمدشان در نظر گرفته شده باشد، افراد نیز تا حد ممکن پرداختی‌های خود را انجام داده و به دنبال راه‌هایی برای فرار مالیاتی نخواهند بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

- برای تعیین میزان پرداخت مالیات و روش آن (نقدی، غیرنقدی به صورت چک و یا اقساط)، علاوه بر در نظر گرفتن حیطه فعالیت و میزان درآمد، سایر دارایی‌ها و منابع درآمدی، تعداد افراد تحت پوشش بیمه در شرکت و ... را در نظر بگیرند.
- از کاهش میزان پرداختی و یا تقسیط آن با استفاده از رانت و پارتی‌بازی برای شرکت‌هایی که درآمدهای ماهانه آن‌ها بالاتر از یک سقف تعیین شده است جلوگیری نموده و در صورت مشاهده، تنبیهی سخت برای فرد خاطی در نظر بگیرند.

فهرست منابع

- (۱) آقامحمد، مهدی، غلامرضا کردستانی و حسین کاظمی، (۱۴۰۰)، "شناسایی ابعاد الگوی مدیریت مالی عمومی نوین"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴ (پیاپی ۵۲)، صص ۲۴۷-۲۴۱.
- (۲) ابراهیم پور، مریم، مهدی سبحانی نژاد و اقدس شایسته، (۱۳۹۳)، "اهمیت توسعه توانایی سواد اطلاعاتی با تأکید بر ملاحظات اجرای فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی کشور"، سال سوم، شماره ۱ و ۲، صص ۱۴-۱.
- (۳) جابرائصاری، محمدرضا، رضا نجف بیگی و سیدمهدی الوانی، (۱۳۹۵)، "راهکارهای ارتقاء اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی"، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم، ۶(۱۵)، صص ۲۰-۸.
- (۴) خباززاده، محمداسماعیل و آزیتا جهاننشد، (۱۳۹۹)، "نسبت‌های سودآوری و ویژگی‌های مؤدیان در سیستم حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده مبتنی بر ریسک"، فصلنامه علمی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۶۱-۱۳۱.
- (۵) رامشینی، محمود، ناصر جمشیدی و غلامحسین اسدی، (۱۳۹۵)، "نگرشی نوین به تمکین مالیاتی؛ ارائه یک چارچوب جدید"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۱.
- (۶) زاهدی، شمس‌السادات و محمد خانباشی، (۱۳۹۰)، "از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)"، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴.
- (۷) ستایش، محمدحسین و فهیمه ابراهیمی، (۱۴۰۰)، "رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۴۹)، صص ۷۲-۵۳.

- ۸) فرهادی، علی و فرشید دولت‌نیا، (۱۳۹۸)، "تأثیر اعتماد به دولت و ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی (مورد مطالعه؛ سازمان امور مالیاتی استان گلستان)"، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- ۹) کمالی، سعید و سعیده شفیعی، (۱۳۹۰)، "مفهوم تمکین مالیاتی و محاسبه آن در نظام مالیاتی ایران"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۹ (۱۰).
- ۱۰) نرگسیان، عباس، قاسمعلی جمالی، مسعود هراتی و حسین آذری، (۱۳۹۷)، "بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان"، مدیریت دولتی، ۱۰(۲)، صص ۳۱۰-۲۸۹.
- ۱۱) نقیسی، بهروز و غلامرضا امید، (۱۳۹۴)، "بررسی رابطه بین دانش مالیاتی عدالت مالیاتی ادراک شده و تمکین مالیاتی (مورد مطالعه؛ مؤدیان مالیاتی استان ایلام)"، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ترکیه- استانبول، مؤسسه سرآمد همایش کارین.
- 12) Abdul-Razak, A., & Adafula, C. J. (2013), "Evaluating Taxpayer's Attitude and Its Influence on Tax Compliance Decisions in Tamale, Ghana", *Journal of Accounting and Taxation*, 5(3), PP. 48-57.
- 13) Ali, M., Fjeldstad, O. H., & Sjursen, I. H. (2014), "To Pay or not to Pay? Citizens' Attitudes toward Taxation in Kenya, Tanzania, Uganda, and South Africa", *World Development*, 64, PP. 828-842.
- 14) Alm, J., Kirchler, E., & Muehlbacher, S. (2012), "Combining Psychology and Economics in the Analysis of Compliance: From Enforcement to Cooperation", *Economic Analysis and Policy*, 42(2), PP. 133-151.
- 15) Aragonez, A., Brumleve, E., Chen, J., Ducoffe, A., Hackley, A., Morian, T., & Prado-Corona, K. (2018), "Exploring Income Inequality & Economic Mobility in the City of Bryan".
- 16) Beldad, A., van der Geest, T., de Jong, M., & Steehouder, M. (2012), "A Cue or two and I'll Trust You: Determinants of Trust in Government Organizations in Terms of their Processing and Usage of Citizens' Personal Information Disclosed Online", *Government Information Quarterly*, 29(1), PP. 41-49.
- 17) Braithwaite, V., & Reinhart, M. (2019), "Preliminary Findings and Codebook for the Australian Tax System: Fair or Not Survey. Centre for Tax System Integrity (CTSI)", Research School of Social Sciences, the Australian National University.
- 18) Chen, J. V., Jubilado, R. J. M., Capistrano, E. P. S., & Yen, D. C. (2015), "Factors Affecting Online Tax Filing—An Application of the IS Success Model and Trust Theory", *Computers in Human Behavior*, 43, PP. 251-262.
- 19) Corbacho, A., Cibils, V. F., & Lora, E. (2013), "Making the Most of Tax Administration. In More than Revenue (PP. 99-111). Palgrave Macmillan, New York.
- 20) Cordery, C. J., & Baskerville, R. F. (2011), "Charity Transgressions, Trust and Accountability", *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 22(2), PP. 197-213.
- 21) Cox, S. P. & Eger, R. J. I. (2006), "Procedural Complexity of Tax Administration: The Road Fund Case", *Journal of Public Budgeting, Accounting and Financial Management*, 18(3), PP. 259 – 283.
- 22) Cyan, M. R., Koumpias, A. M., & Martinez-Vazquez, J. (2016), "The Determinants of Tax Morale in Pakistan", *Journal of Asian Economics*, 47, PP. 23-34.

- 23) Dallyn, S. (2017), "An Examination of the Political Salience of Corporate Tax Avoidance: A Case Study of the Tax Justice Network", In Accounting Forum Vol. 41, No. 4, PP. 336-352. Taylor & Francis.
- 24) Faizal, S. M. Palil, M. R. Maelah, R. & Ramli, R. (2017). "Perception on Justice, Trust and Tax Compliance Behavior in Malaysia", Kasetsart J. Soc. Sci., Vol. 38, No. 3, PP. 226-232,
- 25) Gobena, L. B., & Van Dijke, M. (2016), "Power, Justice, and Trust: A Moderated Mediation Analysis of Tax Compliance among Ethiopian Business Owners", Journal of Economic Psychology, 52, PP. 24-37.
- 26) Güzel, S. A., Özer, G., & Özcan, M. (2019), "The Effect of the Variables of Tax Justice Perception and Trust in Government on Tax Compliance: The Case of Turkey", Journal of Behavioral and Experimental Economics, 78, PP. 80-86.
- 27) Hampton, M., Christensen, J., & Network, T. J. (2010), "Small Island Economies: Exploring Alternative Development Strategies to Hosting Offshore Finance", Kent Business School, Working Paper, (227).
- 28) Henry, J. S. (2012), "The Price of Offshore Revisited", Tax Justice Network, 22, PP. 57-168.
- 29) Herian, M. N., Shank, N. C., & Abdel-Monem, T. L. (2014), "Trust in Government and Support for Governmental Regulation: the Case of Electronic Health Records", Health Expectations, 17(6), PP. 784-794.
- 30) Jimenez, P., & Iyer, G. S. (2016), "Tax Compliance in a Social Setting: The Influence of Social Norms, Trust in Government, and Perceived Fairness on Taxpayer Compliance", Advances in Accounting, 34, PP. 17-26.
- 31) Kim, S. (2010), "Public Trust in Government in Japan and South Korea: Does the Rise of Critical Citizen's Matter", Public Administration Review, 70(5), PP. 801-810. DOI: 10.1111/j.1540-6210.2010.02207.x
- 32) Kiow, T. S., Salleh, M. F. M., & Kassim, A. A. B. M. (2017), "The Determinants of Individual Taxpayers' Tax Compliance Behaviour in Peninsular Malaysia", International Business and Accounting Research Journal, 1(1), PP. 26-43.
- 33) Kirchler, E., & Wahl, I. (2010), "Tax Compliance Inventory TAX-I: Designing an Inventory for Surveys of Tax Compliance", Journal of Economic Psychology, 31(3), PP. 331-346.
- 34) Marandu, E. E., Mbekomize, C. J., & Ifezue, A. N. (2015), "Determinants of Tax Compliance: A Review of Factors and Conceptualizations", International Journal of Economics and Finance, 7(9), PP. 207-218.
- 35) Muehlbacher, S., Kirchler, E., & Schwarzenberger, H. (2011), "Voluntary Versus Enforced Tax Compliance: Empirical Evidence for the "Slippery Slope" Framework", European Journal of Law and Economics, 32(1), PP. 89-97.
- 36) Saad, N. (2011), "Fairness Perceptions and Compliance Behaviour: Taxpayers' Judgments in Self-Assessment Environments".
- 37) Saleh, J. (2010), "Lebanon's Shi'ites: Forever in Third Place", Bulletin for the Council for British Research in the Levant, 5(1), PP. 33-38.
- 38) Van Dijke, M., & Verboon, P. (2010), "Trust in Authorities as a Boundary Condition to Procedural Fairness Effects on Tax Compliance", Journal of Economic Psychology, 31(1), PP. 80-91.
- 39) Wang, B., & Loo, B. P. (2017), "Hubs of Internet Entrepreneurs: The Emergence of Co-working Offices in Shanghai, China", Journal of Urban Technology, 24(3), PP. 67-84.
- 40) Young, A., Lei, L., Wong, B., & Kwok, B. (2016), "Individual Tax Compliance in China: a Review", International Journal of Law and Management, 58(5), PP. 562-574.

Abstract

The Effect of Trust in Government on Voluntary Compliance of Taxpayers with the Mediating Role of Tax Justice Perception

Farnaz Haj Mahmoud Attar¹
Vahid Araei²

Received: 21 / October / 2022 Accepted: 21 / December / 2022

Abstract

The importance and need for tax compliance and identification of new taxpayers has increased more and more according to the conditions of the economic environment, and all governments around the world should try to achieve the desired result to meet the amount of tax revenue. In this study, the effect of trust in government on voluntary obedience of taxpayers is considered by considering the mediating role of tax justice perception. The present paper is descriptive-survey and correlational in terms of data relationships. The statistical population was private companies whose taxpayers referred to the General Directorate of Tax Affairs of Tehran Center in the winter quarter, the total number of which was 33162. The sample size was performed using Cochran's formula and according to the technique of structural equations between 5 and 15 times the number of measures, ie 240 people, using stratified sampling method. Data collection tool is a questionnaire that after confirming its validity by calculating the Lashae coefficient and performing confirmatory factor analysis technique and its reliability by calculating Cronbach's alpha coefficient, structural equation technique has been used in laser software to investigate research hypotheses. The findings show that trust in the government influences the voluntary compliance of taxpayers with regard to the mediating role of tax justice perception. Confidence in government influences the voluntary obedience and perception of tax justice of taxpayers. The perception of tax justice also affects the voluntary obedience of taxpayers.

Keywords: Trust in Government, Voluntary Obedience, Taxpayers, and Perception of Tax Justice.

¹ Department of Finance Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Farnazattar91@gmail.com

² Department of Finance Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Corresponding Author. Vah.arai@iauctb.ac.ir

